چکیده‌ای از

اعجاز علمی قرآن و سنت

تألیف:

عبد الله راه راستین


سنی بوک
www.SunniBook.net

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

مقدمه

الحمد لله رب الناس ملك الناس إله الناس ورب الفلق، ما شاء كان، وما لم يشأ لم يكن، ولا حول ولا قوة إلاَّ به، وصلى الله وسلم على رسول الله وعلى آله وصحبه وبعد:

﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ﴾ [ص: 29].

«کتابی است مبارک که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند».

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ٢٤﴾ [محمد: 24].

«مگر به آیات قرآن نمی‌اندیشند، یا که بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟».

قرآن کلام خداوند و کتاب آسمانی برای همه‌ی انس و جن می‌باشد که خدای آفریننده، آن را برای ما فرستاده است. قرآن کریم علاوه بر احکام شرعی و حقوقی که در بر دارد امثال و اعجاز بسیاری را نیز به همراه دارد که سند صحتی بر خود می‌باشد. این کتاب آسمانی مثل کتاب‌های آسمانی دیگر از جانب خداوند می‌باشد ولی تفاوتی که در این بین بسیار مهم است این است که کتاب‌های دیگر غیر از قرآن کریم تحریف شدند و می‌شوند و خواهند شد ولی قرآن کریم به خواست خداوند بدون تحریف تا قیامت باقی می‌ماند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴾ [الحجر: 9] «ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم)».

سخن من بیشتر با کسانی می‌باشند که در این دوران که از هر جهت فتنه تمام زمین را فرا گرفته است و آدمی شب، مسلمان می‌خوابد اما صبح کافر بیدار می‌شود و یا صبح مسلمان است و شب کافر می‌شود. دورانی که رسانه‌ها، ماهواره‌ها و اقسام این از هر شیوه‌ای برای کافر کردن مسلمانان جاهل استفاده می‌کنند و آنان هم به خود و دینشان بیشتر و بیشتر مشکوک می‌شوند تا جایی که اگر در جمعی باشد و از اینکه بدانند مسلمان است از خود خجالت می‌کشد و با لبخندی به جمع خود را خلاص می‌کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ﴾ [البقرة:120] «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این که از آیین (تحریف شده و خواسته‌های نادرست) ایشان پیروی کنی».

روی سخن من با کسانی می‌باشد که بعد از این همه آشفتگی و از روی نادانی و جهل می‌گوید من فقط خداوند را قبول دارم و دیگر کاری به قرآن و پیامبران و ادیان ندارم وخداوند برای من کافیست. می‌گویند که من می‌دانم که خداوند مرا آفریده است و می‌دانم که خداوند وجود دارد ولی دین من انسانیّت است.

دین انسانیّت که در قرن 21 اختراع شده توسط عوام فریب خورده و نادان به دینشان می‌گویند که این قرآن را پیامبر ρ خودش نوشت و از مسلمانان نیز نیرنگ‌تر و دروغگوتر وجود ندارد. از یک طرف به آن‌ها حق می‌دهم که در جامعه‌ای که پرچمش اسلام است و مردمش هم به حساب مسلمان است اما از دوران جاهلیت هم جاهل‌تر به دینشان هستند و بدعت‌ها و خرافات تا بی‌نهایت افزایش یافته و رسانه‌ها هم تبلیغ آزادی بیان و حقوق بشر و این‌که همه حق برابر دارند و چرا یک مرد می‌تواند چهار زن بگیرد اما زن نمی‌تواند، و یا چرا اسلام این آزادی را به آدم نمی‌دهد که به جای این‌که مرد، زن برای خود اختیار کند مرد دیگری را داشته باشد و بگویند اشکال ندارد و این حق آدمیت است و دوست ندارد با زن باشد بلکه دوست دارد و می‌خواهد شوهر داشته باشد و انواع و اقسام فتنه‌های دیگر.

من می‌گویم به مجرد این‌که می‌دانید خداوند وجود دارد، وارد دایره‌ی اسلام نمی‌شوید. آیا کسی در این کره‌ی خاکی وجود دارد که نداند خداوند وجود دارد؟ این شبیه این است که همه‌ی مردم ایران می‌دانند که پایتخت ایران تهران است و یا همه‌ی مردم می‌دانند که کره‌ی زمین حالت گرد دارد. آیا شخصی به صرف این‌که می‌داند تهران پایتخت ایران است به آن شخص لیسانس جهان‌گردی می‌دهند؟ آیا کسی که می‌داند

زمین گرد است لیسانس جغرافیا به آن شخص می‌دهند؟ خیر. پس به مجرد این‌که تو می‌دانی خداوند وجود دارد و خالق وجود تو است، خداوند به تو بهشت نمی‌دهد.

در کل تاریخ بنگرید، وقتی پیامبری برای قوم خودش فرستاده می‌شد نمی‌آمد که بگوید ای مردم بدانید که خدایی وجود دارد، چون همه می‌دانستند که خداوند وجود دارد. پیامبران نمی‌آمدند مگر به دو دلیل که خداوند آن را بیان کرده و می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبیاء: 25] «ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این‌که به او وحی کرده‌ایم که معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید».

1- دانستن این‌که الهی غیر از الله نیست.

2- فقط الله را بپرستند.

به عبارت دیگر «لا اله الا الله» را تبلیغ می‌کردند. نکته‌ی اول با گفته‌ی این‌جانب در تضاد نیست. آیه نمی‌گوید که مردم بدانند من وجود دارم بلکه باید بدانند که فقط من بر حق هستم که باید پرستیده شوم. چون قوم پیامبران، غیر از خداوند ماه و ستاره و یا فرشتگان و در زمان ما قبرها را نیز با خدا می‌پرستیدند.

این‌جا ممکن است شخصی بگوید که طبق آیه، چون من فقط خداوند را می‌شناسم و چون در این زمانی که ما زندگی می‌کنیم شناخت راست از غلط مشکل شده، پس بی‌خیال پیامبر و کتابش قرآن می‌شویم. در حالی‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَأَنتُمۡ تَسۡمَعُونَ ٢٠﴾ [الأنفال: 20] «ای مؤمنان! از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، و از پیغمبر روگردان نشوید، در حالی که شما (آیات قرآن را) می‌شنوید (و می‌بینید که آشکارا امر به وجوب اطاعت از او می‌کنند)».

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل‌عمران: 31] «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من

(محمد) پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشاید، و خداوند آمرزنده مهربان است».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3 – 4] «و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا به او) وحی و پیام می‌گردد».

در دین انسانیّت، مردم مشکلی که با دین اسلام دارند این است که باوری به صحت و درستی قرآن ندارند و این‌که می‌گوییم قرآن و حتی علاوه بر آن یعنی احادیث گوهربار پیامبرρ نیز دارای اعجاز می‌باشد، را زیر علامت سوال می‌برند و می‌گویند باور نداریم.

در این میان افرادی که خداوند اراده‌ی خیر بر آن‌ها دارد می‌گویند، باشد ما حرف تو را قبول کردیم که قرآن از جانب خداست، اما برایمان ثابت کن. در این کتاب کوچک ما نیز می‌خواهیم آن شخصی که به شرحی که دادم از اسلام گریزان شده، با دلایل زیر عقیده‌اش را محکم کنیم إن شاء الله.

برای مختصر و سودمند بودن کتاب سعی بر خلاصه‌نویسی داریم و تنها تعداد اندکی از اعجاز قرآن و احادیث را بیان می‌کنیم. در واقع ما راه را نشان می‌دهیم پیمودن با شماست.

اعجاز

پیامبران گذشته فقط برای قوم و زمان خود معجزه داشتند و بعد از مرگ آنان معجـزه نیز تمام می‌شد مانند زنده کردن مرده‌ها به اذن خدا توسـط عیسـی و... امـا محمـدρ کـه پایان‌بخش پیامبران است به سوی همه‌ی مردم تا آخرِ الزمان فرستاده شده است پس لازم است معجزه‌ی او نیز تا آخر الزمان باقی بماند تا مردم با دیدن آن ایمان بیاورند.

قرآن مجید علمی قطعی و غیر مشتبه است:

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ﴾ [البقرة: 2] «این کتاب، هیچ گمانی در آن نیست».

﴿وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٧﴾ [یونس: 37] «شـکّ و تردیـدی در آن نیست، و از سوی پروردگار جهانیان فرستاده شده است».

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا ٨٢﴾ [النساء: 82]. «آیا (این منافقان) درباره قرآن نمی‌اندیشند (و معانی و مفاهیم آن را بررسی و وارسی نمی‌کنند تا به وجوب طاعت خدا و پیروی امر تو پی ببرند و بدانند که این کتاب به سبب نزدیکیِ معانی و احکامی که در بر دارد، و این که بخشی از آن مؤیّد بخش دیگری است، از سوی خدا نازل شده است؟) و اگر از سوی غیر خدا آمده بود، در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می‌کردند».

هم‌چنین کلام پیامبر هم قطعی و کامل است چون خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3 – 4] «و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا به او) وحی و پیام می‌گردد».

علم انسان بسیار محدود می‌باشد تا جایی که بـه اعتـراف دانشـمندان هرچـه جلـوتر می‌روند بیشتر احساس عجز و نادانی می‌کنند.

مردم نیز از خیال و ظنّ خود پیروی می‌نمایند. مثلاً می‌گویند به نظر من فلان کار یا فلان موضوع این‌طور یا آن‌طور است، یا به نظر من اگر فلان امر در اسلام یک طور دیگر بود بهتر بود. و همین ظنّ و گمان اشتباه آدم را از راه راستین باز می‌دارد.

خداوند در این‌باره می‌فرماید: ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٥﴾ [الإسراء: 85] «جز دانش اندکی به شما داده نشده است».

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾ [یونس: 36] «بیشتر مشرکان (در معتقدات خود) جز از شکّ و گمان پیروی نمی‌کنند (و جز به دنبال اوهام و خرافات نمی‌روند). و گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند (و ظنّ جای یقین را پر نمی‌کند و سودمند نمی‌افتد). بی‌گمان خداوند آگاه از چیزهایی است که انجام می‌دهند».

﴿إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـٔٗا ٢٨﴾ [النجم: 28] «جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند، و ظنّ و گمان هم (در بخش اعتقادات، به کسی سودی نمی‌رساند، و انسان را) بی‌نیاز از حق نمی‌گرداند».

قرآن فرقان و ممیّز است، خداوند می‌فرماید:

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ﴾ [البقرة: 256] «اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخّص شده است».

﴿لِيَمِيزَ ٱللَّهُ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ﴾ [الأنفال: 37] «(این شکست در دنیا و عذاب در آخرت همه به خاطر آن است که) تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد».

چرا که خداوند می‌خواهد با بندگانش اتمام حجت کند تا ﴿لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ﴾ [الأنفال: 42] «آنان که گمراه می‌شوند با اتمام حجّت بوده و آنان که راه حق را می‌پذیرند با آگاهی و دلیل آشکار باشد. بی‌گمان خدا بر هر چیزی توانا است».

پس قطعاً کسانی که کتاب خداوند را می‌بینند و می‌دانند که از جانب خداوند می‌باشد و از آن پیروی نمی‌کنند بعد از اتمام حجت منتظر عذاب خداوند باشد.

مانند یهود و نصاری نباشید که خداوند مـی‌فرمایـد: ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ كِتَٰبٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ وَكَانُواْ مِن قَبۡلُ يَسۡتَفۡتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٩﴾ [البقرة: 89] «و هنگـامی کـه از طـرف خداونـد کتابی (به نام قرآن توسّط پیغمبر اسلام) به آنان رسید که تصدیق کننده چیزهایی (هم‌چون توحید و اصول دین و مقاصد آن) بود که با خود (از تورات) داشتند، و (از روی تورات) آن را شناختند و (به صدق محتوایش) پی بردند، ولی (به سبب حسادت و عناد) بدان کفر ورزیدند (زیرا، پیغمبری آن را آورده بود که از بنی‌اسرائیل نبود. گرچه) قبلاً (هنگامی کـه با مشرکان به جنگ و یا نزاع لفظی بر می‌خاستند، می‌گفتند که خدا ایشان را بـا فرسـتادن آخرین پیامبری که کتابشان بدان نوید داده است، یاری خواهد داد و) امید فتح و پیـروزی بر کافران را داشتند. پس لعنت خداوند بر کافران (چون ایشان) باد».

قرآن خودش می‌گوید که معجزه هستم و از کسانی که شک دارند دعـوت بـه مبـارزه می‌کند. پیامبری اُمّی که این درس نخواندن برای هر کسی عیب و ننـگ اسـت امـا بـرای محمدρ دلیلی بر پیامبر بودنش می‌باشد، در قرآنی که آورده می‌گوید اگر راست می‌گویید که این کتاب را خودم نوشته‌ام، پس شما هم مـرد باشـید و ده سـوره مثـل ایـن قـرآن را بیاورید اگر راست می‌گویید، اما نتوانستند، بعـد گفـت: سـوره‌ای بیاوریـد ولـی بـاز هـم نتوانستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣﴾ [البقرة: 23] «اگر درباره آن‌چـه بـر بنده خود نازل کرده‌ایم، دچار شکّ و دودلی هسـتید، سـوره‌ای هماننـد آن را بسـازید (و ارائه دهید) و گواهان خود را به جز خدا (که بر صدق قرآن گواهی می‌دهد) فـرا خوانیـد

(تا بر صدق چیزی که آورده‌اید و همسان قرآنش می‌دانید، شهادت دهند) اگر راستگو و درستکارید».

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٨﴾ [یونس: 38] «بلکه آنان می‌گویند که (محمّد قرآن را خود ساخته و پرداخته است و) او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است. بگو: (اگر چنین است و قرآن ساخته بشر است) شما یک سوره همانند آن را بسازید و ارائه دهید و در این کار هرکسی را که می‌خواهید به جز خدا فرا خوانید و به کمک بطلبید، اگر راست می‌گویید (که قرآن را من ساخته و پرداخته‌ام)».

﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾ [الإسراء: 88] «بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متّفق شوند بر این که همچون این قرآن را (با این شیوه‌های دلربا و معانی زیبا بسازند و) بیاورند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هر چند برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست)».

امروز از زمان نزول قرآن بیش از 1430 سال می‌گذرد اما هنوز نتوانسته‌اند سوره‌ای مثل آن بیاورند. امروز عصر تکنولوجی و پیشرفت است اگر دست به دست با دقیق‌ترین محاسبات ریاضی اگر انس و جن جمع شوند تا قیامت هم تلاش خود را ادامه بدهند نمی‌توانند مثل آن را بیاورند.

کسانی که می‌گویند محمدρ قرآن را از روی کتاب‌های دیگر نوشته است باید باز بگویم که دچار فریب خوردگی شده‌اند چون مطالبی که درباره‌ی پیامبران در کتاب‌های دیگر آمده است به صراحت به پیامبران تهمت شرک و کفر و فسق زده شده که به آسانی معلوم می‌شود که آن کتاب‌ها تحریف شده‌اند، مثل کشتی گرفتن خداوند با یعقوب و به زمین زدن خداوند به دست یعقوب یا هم‌بستر شدن داوود با زن عوریای دختر یوآف و

یا عاشق شدن سلیمان و دلدادگی به دختر همسایه‌شان و یا رقصیدن داوود برای خداونـد که ﴿سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ﴾.

و به خداوند از این گفتارها پناه می‌بریم و از او بخشش می‌خواهیم. و به همین خـاطر هست که در بین آن‌ها هم زنا، هم شرک و هم انواع گناهان وجود دارد، بدون این‌کـه بـه خود بگویند گناه است چون اگر در کتاب‌هایشان چنین گناهانی را پیامبرانشان انجام داده باشد خوب چرا خودشان نیز انجام ندهند.

در کتاب پیدایش باب 9 درباره‌ی نوح و در باب 16 همان کتاب درباره‌ی لـوط و در کتاب خروج باب 32 درباره‌ی هارون و در کتاب سلاطین باب 11 درباره‌ی سلیمان کـه سلام خداوند بر همه‌ی آن‌ها باد صریحاً تهمت کفر و شرک و فسـق و گنـاه بسـته شـده است.

و اگر پیامبر ما به حساب آنان قرآن را از روی کتاب آنان نوشته است پس باید چنـین موضوعاتی در آن می‌بود ولی قرآن مجید نوحυ را در سوره شعراء رسـول امـین معرفـی کرده است و درباره‌ی حضرت لوط چنین گفته است: ﴿وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ ٧٤﴾ [الأنبياء:74] «و بـه لوط شناخت (اسرار اشیاء) و دانش (سودمند) عطاء کردیم، و او را از شهر و دیـاری کـه (مردمان آن) کارهای زشت و پلید انجام می‌دادند رهـایی بخشـیدیم. آنـان مردمـان بـدی بودند و (از طاعت خدا و عمل طبع‌پسند) سرکشی می‌کردند».

در تورات حضرت هارون صریحاً به گوساله‌پرستی متهم شده اسـت، عبـارت تـورات چنین است: «هارون در غیبت موسی بنا به پیشنهاد بنی اسرائیل بتی از زیور آلات ساخت و از تمام بنی اسرائیل خواست که آن را پرستش کنند و برایش قربانی نمایند و بـه آن‌هـا گفت که همین معبود شما که شما را از مصر بیرون کرده است». اما قرآن دقیقاً عکس این مطلب را آورده است: ﴿وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي ٩٠﴾ [طه: 90] «هارون (که به هنگام وقـوع چنـین آشـوبی در

میانشان به سر می‌برد،) پیش‌تر (از برگشتن موسی از میعادگاه) به بنی‌اسرائیل گفت: ای قوم من! با این (گوساله زرّینْ) شما دچار بلا (و آزمون بزرگ و سختی) شده‌اید. پروردگار شما خداوند مهربان است (نه کس و نه چیز دیگری). اکنون که چنین است، از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت نمائید».

هم‌چنین درباره‌ی حضرت سلیمان چنین نوشته‌اند: «وقتی سلیمان به سن پیری رسید همسران وی او را به سوی معبودان دیگر متمایل کردند اینجا بود که دیگر دلش متوجه خداوند نبود همان طور که حال پدرش داوود بود. به هر حال سلیمان از از عسترون که معبود صیرانی‌ها و ملکوم منفور که بت عمونی‌ها بود پیروی کرد».

اما قرآن می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَٰنَۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ٣٠﴾ [ص: 30] «و ما سلیمان را به داوود عطا کردیم و چه نیک بنده‌ای بود چرا که همواره توبه می‌کرد».

هم‌چنین می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٖ ٤٠﴾ [ص: 40] «قطعاً سلیمان در پیشگاه ما، مقامی ارجمند و سرانجامی نیکو دارد».

با وجود این تفاوت‌های بزرگ، اگر صاحبان این عقیده که قرآن از روی صحف پیشین نوشته شده است باز بر عقیده‌شان بمانند واقعا جاهل‌اند و دل‌هایشان مرده است.

اما کسانی که می‌گویند پیامبر خودش با دست خودش آن را نوشته است باید گفت که این از همه جاهل‌تر است چون بیش از 20 سال طول کشید که تمام قرآن نازل شود. در ضمن قرآن را بر روی پوست‌های درختان و حیوانات و تخته سنگ‌ها و... می‌نوشتند، و یک کتاب کامل نبود که یک دفعه آن را بیرون بیاورد و بگوید این کتاب من است و از من پیروی کنید. در ثانی پیامبر بی‌سواد و اُمّی بودند و قرآنی که با آن همه زیبایی لفظی که بزرگترین شاعران را به خشوع در می‌آورد قبل از آن یک بیت شعر از پیامبر نیز اثبات نشده است که آن بزرگوار سروده باشند. هم‌چنین اگر تمام آیات و احادیث صحیح مربوط به هستی جمع آوری شود خواهی دید که همدیگر را تکمیل می‌کنند و هیچ اختلافی باهم ندارند و این نشان دهنده‌ی آن است که از جانب خداوند نازل شده است.

مجموعه‌ای از نشانه‌ها و اعجاز قرآن و حدیث

سرعت نور

خداوند می‌فرماید: ﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٥﴾ [السجدة: 5] «خداوند (تمام عالم هستی را) از آسمان گرفته تا زمین، زیر پوشش تدبیر خود قرار داده است، (و جز او مدبِّری در این جهان وجود ندارد). سپس تدبیر امور در روزی که اندازه آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید، به سوی او باز می‌گردد».

- منظور از سال‌هایی که شما می‌شمارید سال قمری می‌باشد.
- ماه در هر روز عموماً به دور زمین یک دور کامل می‌زند.
- اگر شعاع زمین و ماه را به دست آوریم و تعداد کیلومترهای طی شده در یک دور کامل را تعیین کنیم و اگر طول محیط دایره‌ای چرخشی ماه را در 12 ضرب کنیم فاصله‌ی طی شده آن را در یک سال بدست آورده‌ایم.
- و اگر در 1000 ضرب کنیم فاصله‌ی 1000 ساله‌ای به دست می‌آید کـه در آیـه آمده است.

در واقع مسافتی که ماه در هزار سال می‌پیماید نور در یک روز طی می‌کند، زیـرا اگـر مسیر طی شده ماه در هزار سال را بر تعداد ثانیه‌های کامل یک روز تقسیم کنـیم، عـددی برابر سرعت نور در یک روز به دست می‌آید.

- حال اگر مسافت طی شده در هزار ساله‌ی ماه را بر سرعت نور در یک روز تقسیم کنیم عدد زیر به دست می‌آید.

یعنی: (299792.458) کم/ در یک ثانیه که این عدد درست مربوط به سرعت نور در ثانیه می‌باشد که این عدد توسط کنفرانس پاریس در سال 1983م اعلام شده است.

یعنی: مسافتی که نور در یک روز طی می‌کند برابر 1000 سال قمری می‌باشد.

انواع خورشیدها

رئیس بزرگ‌ترین خبرگزاری فضایی جهان که از برجسته‌ترین دانشمندان فضاشناسی می‌باشد درباره‌ی موقعیت اخترهای آسمانی و مجموعه‌های شعله‌ور آن که به رنگ (قرمز) و (سفید) و (سیاه) هستند گفت: «خورشیدهای نورانی سه دسته‌اند که برخی از آن‌ها مانند خورشید دارای رنگ قرمز هستند و نصف عمر خود را طی کرده‌اند، یعنی 50 میلیارد سال از عمر آن‌ها مانده است. برخی دیگر پس از طی دوران انتشار نور قرمز، حجم آن‌ها بسیار بزرگ شده و از حد معقول می‌گذرد سپس ناگهان کوچک شده و به1٪100 حجم اولیه خود می‌رسد در این حال نور سفیدی از آن‌ها ساطح می‌شود که دمای آن بسیار بالاتر نور قرمز است سطح خود آن‌ها نیز سفید است. پس از آن همین خورشید به مرحله‌ی تراکم و فشردگی می‌رسد همانند یک متر مکعب آهن، که در اثر تراکم به اندازای کوچک شود که با ذره‌بین نیز قابل مشاهده نباشد فشرده می‌شود. تراکم و فشردگی این خورشید آن‌چنان زیاد است که پرتوهای نوری قدرت خروج و انتشار از آن نخواهند داشت. امروزه به این خورشیدها که حالت تاریک پیدا کرده سیاه چاله می‌گویند. قدرت جذب این چاله‌ها آن‌چنان زیاد است که اگر زمین در میدان مغناطیسی آن قرار گیرد حجم خود را از دست می‌دهد و به اندازه‌ی یک تخم مرغ کوچک می‌شود البته همان وزن قبلی را دارد».

حال چه احساسی خواهید داشت که 1400 سال پیش حدیثی از پیامبر به این موضوع اشاره کرده است.

حدیث شریف ترتیب رنگ‌ها را به همان ترتیبی گفته است که دانشمندان کشف کرده‌اند.

در سنن ترمذی آمده که ابوهریره روایتی از پیامبرρ نقل کرده است که ایشان فرمود: «هزار سال در آتش دمیده شد تا به سرخی گراید، سپس هزار سال دیگر در آن دمیده شد

تا سفید گشت و هزار سال دیگر نیز در آن دمیده شد تا سیاه گشت و کاملاً تاریک شد»[1].

علما می‌گویند که منظور پیامبر از هزار سال کثرت و زیادی زمان بوده است.

سال قمری و شمسی

در داستان اصحاب کهف آمده است که آن‌ها 300 سال در غار ماندند و 9 سال به آن افزودند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ مِاْئَةٖ سِنِينَ وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا ٢٥﴾ [الکهف: 25] «و در غارشان سی‌صد سال ماندند و به آن نه سال افزودند».

﴿وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا﴾: «نه سال بر آن افزودند». مراد این است که اصحاب کهف سی‌صد سال شمسی زنده و در حال خواب بوده که اگر با سال قمری حساب شود، نه سال بر آن افزوده می‌گردد. چرا که سی‌صد سال شمسی مساوی با سیصد و نه سال قمری است. در این‌جا قرآن مجید حقیقتی را بیان داشته است که سال‌ها بعد علم نجوم بدان پی برده است. یعنی هر صد سال شمسی صد و نه سال قمری است.

من از شما می‌پرسم که پیامبر اُمّی این را از کجا می‌دانست؟ آیا از خودش در آورده یا وحی خداوند است؟

بازگشت سرسبزی به عربستان

یکی از عالمان مسلمان از مشهورترین دانشمندان زمین‌شناسی در مورد مسائل زیست محیطی بین منطقه آفریقا و جزیرة العرب تخصص دارد به گونه‌ای سوال می‌کند که علم شما اشکال دارد و به حساب خود را حق به جانب نشان می‌داد که پرسید: «آیا دلیلی وجود دارد که منطقه عربستان در گذشته دارای باغ‌ها و بستان‌های خرم بوده است؟ او در جواب گفت: این مسئله جزو موارد مشهور و مورد تأیید دانشمندان متخصص می‌باشد. عالِم مسلمان پرسید: طبق کدام دلیل؟ گفت: رسوبات رودخانه‌ای فراوانی در جزیره عرب

1- سنن ترمذی، حدیث 2591.

دیده شده است و نیز در **«الربع الخالی»** که منطقه‌ای بی‌آب و علف در جنوب عربستان می‌باشد، روستایی کشف شد که در زیر شن‌ها مدفون شده بود و نیز مناطقی سنگی و سخت در دو منطقه دیگر آن کشف شده که پس از تحقیق و تفحص روشن شد که شامل ریشه درختان بزرگی می‌باشد که در این منطقه وجود داشته است». تمام این موارد روشن می‌سازد که منطقه عربستان جزو مناطق سرسبز و دارای رودها و باغ‌هایی بوده است. حتی همین منطقه **«الربع الخالی»** پوشیده از باغ‌ها بوده و رودهای آب در آن‌جا جریان داشته است و این یک مسئله مورد تأیید میان جغرافی‌دانان است که آثاری مؤید این گفته را در آن‌جا یافته‌اند. دانشمند مسلمان سؤال دیگری از آن زمین‌شناس پرسید، که: «آیا دلیلی بر بازگشت طراوت و سرسبزی مانند گذشته به این سرزمین خشک وجود دارد؟» او در پاسخ گفت: «این مسئله هم جزو موارد مشهور و ثابت شده نزد ماست». پرسید: به چه دلیل؟ در پاسخ گفت: قطعه‌های ضخیم پوسته زمین به سمت جنوب تمایل یافته‌اند، و به همین دلیل است که چند سال پیش زمستان قاره‌های اروپا و آمریکا بسیار سخت و سرمایی بود، ادامه حرکت این تکه‌های پوستی به سمت جنوب، در آینده شکل زمین را نیز تغییر خواهد داد که در نتیجه آن خطوط باران‌زایی زمین و جهت‌گیری توده‌های هوایی نیز تغییر خواهد کرد. و همین تغییر است که سرزمین عربستان را دوباره همانند گذشته به طراوت و شادابی باز می‌گرداند، دانشمند مسلمان به آن فرد جغرافی‌دان گفت: نظر شما راجع به شخصی که هزار و چهارصد سال پیش چنین نظری ابراز داشته است چیست؟ که می‌گوید: و قیامت بر پا نخواهد شد تا زمانی که سرزمین عربستان همانند گذشته به باغستان و محل جاری شدن رودها تبدیل شود [1].

آیا واقعیتی که آن دانشمند با آن همه علمی که داشتند و تنها در چند سال اخیر بـه آن پی برده‌اند امکان دارد که پیامبری اُمّی همین‌طور اتفاقی آن را دانسته باشد؟ در حدیث آمده است، تا زمانی که مثل گذشته‌ی خود می‌شود [یعنی هم خبر از گذشته داده که

1- روایت مسلم، شماره (157) و احمد شماره (9384) به روایت ابوهریرهτ.

عربستان در گذشته سر سبز بوده و هم خبر از آینده داده است]. آیا امکان دارد که از خود بگوید و تا این حد نیز صحیح باشد؟

شفا در بال‌های مگس

پیامبرρ در حدیثی می‌فرماید که: «هرگاه مگسی در نوشیدنی شما افتاد پس آن مگس را کاملاً در نوشیدنی فرو ببرید بعد آن را دور بیاندازید چونکه در یکی بال‌هایش بیماری وجود دارد و در دیگری شفاست».

شاید اگر قبلاً غیر مسلمانی چنین عملی را از شما ببینید که انجام می‌دهید به شما بخندد و بگوید که مسلمان‌ها عجب کارهایی می‌کنند و اصلاً بهداشتشان را رعایت نمی‌کنند ولی دانشمندان به تازگی کشف کرده‌اند که در یک بال مگس سم و بیماری وجود دارد و در بال دیگرش درست درمان و شفای آن میکروب‌ها وجود دارد.

آیا پیامبرρ آن زمان آزمایشگاه داشت تا مگس را آزمایش کند و چنین اطلاعات علمی را کشف کند؟ آیا پیامبر میکروسکوپ داشت؟ آیا اتفاقی گفته است یا این‌که وحی خداوند است؟

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3 – 4].

مونث‌بودن عنکبوت بافنده

خداوند در سوره‌ی عنکبوت می‌فرماید: ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٤١﴾ [العنکبوت: 41] «کار کسانی که جز خدا، (اشخاص و اصنام و اشیایی را به دوستی برگرفته‌اند، و از میان آفریدگان، برای خود) سرپرستانی برگزیده‌اند، هم‌چون کار عنکبوت است که (برای حفظ خود از تارهای ناچیز) خانه‌ای برگزیده است (بدون دیوار و سقف و در و پیکری که وی را از گزند باد و باران و حوادث دیگر در امان دارد). بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانه و کاشانه عنکبوت است، اگر (آنان از سستی معبودها و

پایگاه‌هایی که غیر از خدا برگزیده‌اند باخبر بودند، به خوبی) می‌دانستند (که در اصل بر تار عنکبوت تکیه زده‌اند)».

خداوند در این آیه عنکبوت را با تای مونث آورده است (تِ) و در کل منظورش این است که فقط عنکبوت ماده است که تار ایجاد می‌کند و عنکبوت نر نمی‌تواند تار بسازد.

آیا اگر می‌گویید که پیامبر خودش آن را نوشته و وحی نیست از کجا می‌دانست که فقط عنکبوت ماده تار تولید می‌کند؟ آیا عنکبوت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بود؟ آیا آزمایشگاه داشت تا بداند؟

دانشمندان این را نیز به تازگی کشف کرده‌اند که فقط عنکبوت ماده است که تار تولید می‌کند.

هیچ می‌دانید که کل دین محمد می‌توانست در گرو این یک آیه باشد؟ اگر دانشمندان خلاف این را ثابت می‌کردن کل قرآن زیر سوال نمی‌رفت؟ این که خداوند هم می‌گوید نمی‌توانید مثل قرآن را بیارید همین است.

﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾ [الإسراء: 88] «بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متّفق شوند بر این که همچون این قرآن را (با این اعجاز علمی جاویدان) بیاورند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست)».

معمولاً دانشمندان بزرگ وقتی به حقیقتی می‌رسند سعی می‌کنند دانسته‌های خود را به صورت کتابی در آورند تا در اختیار مردم نیز قرار گیرد ولی با گذشت زمان و پیشرفت جدید در علم کتاب‌هایشان توسط دانشمندان دیگر منسوخ می‌شود و دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. حتی ممکن است که یک دانشمند در اول یک نظریه داشته باشد و در آن مورد کتابی هم نوشته باشد اما در طول حیات خود شاید از آن نظرش بر گردد و کتابی

جدید بنویسد اما کتاب ما قرآن که بیش از 1400 سال از نزول آن رفته است نه تنها با گذر زمان کهنه و قدیمی نمی‌شود بلکه هرچه علم انسان بیشتر پیشرفت می‌کند کاربرد و درخشندگی قرآن نیز بیشتر می‌شود. این است کتاب ما مسلمانان که به تحقیق معجزه است.

خداوند می‌فرماید: ﴿لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٦٧﴾ [الأنعام: 67] «هر خبری (که خداوند در قرآن بیان کرده است) موعد خود دارد (و در هنگام مقرّر و جای معیّن تحقّق می‌پذیرد) و (صدق این اخبار را به هنگام وقوع) خواهید دانست».

آری برای هر خبری موعدی مقرر هست و خوشا به حال آنان‌که با دیده‌ی معرفت به کتاب خدا می‌نگرند و به تمام آن ایمان می‌آورند.

اثر انگشت

خداوند می‌فرماید: ﴿لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ١ وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ٢ أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ٣ بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ٤﴾ [القيامة: 1 – 4] «به روز قیامت سوگند! و به نفس سرزنشگر سوگند! (که پس از مرگ زنده می‌گردید و رستاخیز حق است). آیا انسان می‌پندارد که ما استخوان‌های (پوسیده و پراکنده) او را گرد نخواهیم آورد! آری! (آن‌ها را گرد می‌آوریم) ما حتّی می‌توانیم سر انگشتان او را (که یکی از دقایق اندام بدن است) کاملاً همسان خودش بیافرینیم (و به حال اوّل بازگردانیم)».

درباره‌ی اثر انگشت چه می‌دانید؟ دانشمندان کشف کرده‌اند که دوقولوهای یکسان که از هر جهت شبیه هم هستند اثر انگشتشان شبیه هم نمی‌باشد. همچنین در آزمایشی در آمریکا که بیش از 9 میلیون نفر را مورد آزمایش قرار دادند اثر انگشت دو نفر مثل هم پیدا نشدند و اگر اثر انگشت کل انسان‌ها از آدم تا خاتم آزمایش می‌کردند احتمال اینکه دو نفر از آن‌ها اثر انگشت مشابه داشته باشند ممکن نبود. جالب‌تر از آن دانشمندان متوجه شده‌اند که اگر دست انسانی در حادثه‌ای قطع شده باشد و اگر دست شخص دیگری را به آن پیوند دهند به شکل حیرت‌انگیزی می‌بینید که بعد از یک مرحله

پوست‌اندازی که یکی دو ماه طول می‌کشد باز همان اثر انگشت قبلی خود که مربوط بـه خودش است به انگشتانش بر می‌گردد. این امضای خداوند برای شما می‌باشد.

انگشت‌نگاری نیز در این قرن بسیار مورد استفاده‌ی پلیس‌ها واقع شـده اسـت و از آن برای شناسایی مجرم استفاده می‌شود.

خداوند در این آیه به منکران معاد می‌گوید که آیا فکر می‌کنید که ما نمی‌توانیم شما را باری دیگر زنده کنیم؟ نه تنها می‌توانیم شما را باری دیگر زنده کنیم بلکه مـی‌تـوانیم اثـر انگشت‌هایتان نیز بار دیگر درست کنیم.

کافران زمان پیامبر وقتی این آیات را می‌شنیدند عده‌ای پیامبر را مسخره مـی‌کردنـد و می‌گفتند غیر از این همه نشانه در انسان مثل رنگ چشم نوع موی سر و نشانه‌های دیگـر چرا خطوط سر انگشت را گفته است؟

تا به امروز که اهمیت آن روشن گشته و علّت آن روشن شده است.

﴿لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٦٧﴾ [الأنعام: 67] «هر خبری (که خداوند در قرآن بیان کرده است) موعد خود دارد (و در هنگام مقرّر و جـای معـیّن تحقّـق مـی‌پـذیرد) و (صدق این اخبار را به هنگام وقوع) خواهید دانست».

گوش و چشم و قلب

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾ [النحل: 78] «خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی (از جهان دور و بر خود) نمی‌دانستید، و او به شما گوش و چشم و دل داد تا (به وسیله آن‌ها بشنوید و ببینید و بفهمید و نعمت‌هایش را) سپاسگزاری کنید».

هم‌چنین می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾ [المؤمنون: 78] «خدا کسی است که برای شما گوش و چشم و عقل را آفریده

است (تا صداها را بشنوید و جهان را ببینید و خالق آن را درک کنید، و در نتیجه ایمان بیاورید). امّا کمتر شکر و سپاس (این آفریده‌های خدا) را به جای می‌آورید».

اگر به این آیات بیشتر توجه کنیم می‌بینیم که سمع را مفرد آورده ولی چشم و قلب را جمع بسته است. چرا؟

مفرد بودن سَمْع به این معنی است که شنوائی فقط یکی است. واقعیت هم همین است. قسمتی که مربوط به شنوایی می‌باشد با اینکه دو گوش داریم ولی یک مرکز کنترل در مغز دارد و اگر آن قسمت از کار بیافتد هر دو گوشش دیگر نمی‌توانند بشنوند. به این خاطر **«سَمْعْ»** همیشه در قرآن مفرد آمده است. (ضمن اینکه واژه **سَمْعْ** در زبان عربی جمع دارد. جمع آن **«اَسْماعْ واَسْمُع»** است).

و علت اینکه اَبصار (بینایی‌ها) جمع آمده این است که محل بینایی در مغز در بیش از دو نقطه است، (در زبان عربی از سه به بالا جمع محسوب می‌شود). به این خاطر قرآن آن را جمع بسته است. بینایی بخش‌های ویژه درک رنگ، درک بُعد و درک تصویر دارد که جدا از هم هستند ولی در ارتباط دائمی با هم هستند و با هم کار می‌کنند. آیه به این نکته اشاره می‌کند که بینایی و شنوایی در گوش و چشم نیست بلکه توسط مراکزی دیگر در مغز کنترل می‌شود.

قلب انسان نیز در ظاهر یک واحد است ولی از نظر پزشکی دارای بخش‌هایی مانند دهلیزها و بطن‌ها می‌باشد که هر کدام نیز به قسمت راست و چپ تقسیم می‌شوند.

ابولهب

خداوند می‌فرماید: ﴿تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ١ مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ ٢ سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ٣ وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۢ ٥﴾ [المسد] «نابود باد ابولهب! و حتماً هم نابود می‌گردد. دارایی و آن‌چه (از شغل و مقام) به دست آورده است، سودی برایش نمی‌رساند (و او را از آتش دوزخ نمی‌رهاند). به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانه‌کش و شعله‌ور خواهد بود. و هم‌چنین

همسرش که (در اینجا آتش بیار معرکه و سخن‌چین است در آنجا بدبخت و) هیزم‌کش خواهد بود. در گردنش رشته طناب تافته و بافته‌ای از الیاف است».

در این سوره کل دین محمدρ در گروی یک جمله از عموی پیامبر ابولهب می‌باشد. خداوند می‌فرماید که قطعاً ابولهب و زنش جهنمی هستند و پیامبر این سوره را در بین مردم می‌خواند و ابولهب نیز از این سوره آگاهی داشت و می‌توانست که حتی به دروغ بگوید که من‌ایمان آوردم و کتاب تو دروغ گفته که من‌ایمان نمی‌آورم. در واقع دینش در گرو یک جمله بود اما نگفت.

این نیز از قطعی بودن و وحی بودن قرآن حاکی می‌شود.

علم جنین‌شناسی

علم جدیدی به نام جنین‌شناسی به وجود آمده که توسط دستگاه‌های مخصوص می‌توانند از هنگام لقاح تخمک‌ها تا آخرین روز تولد نوزاد عکس‌برداری کنند. و مراحل جنین را در رحم مادر به مراحل و قسمت‌هایی تقسیم نموده‌اند در میان این مراحل از جنین در رحم مادر ابتدای هفته ششم موردنظر و توجه ما می‌باشد، که چه چیزی را می‌بینیم؟

در ابتدای هفته ششم چشم‌ها و بینی با دهان به صورت نا واضح شکل گرفته‌اند، حتی سر بدون گردن به سینه متصل است و دست و پا به تازگی رشد کرده‌اند و به صورت بازویی به تنه وصل نیستند در پایان این هفته سر از تنه جدا می‌شود، و چشم، گوش، دهان و دست و پا ظاهر می‌شوند، این شکل‌ها تصویر آخر هفته ششم می‌باشند، و آخرین روز هفته هفتم 42 روز می‌باشد.

عبدالله بن مسعودτ از پیامبر خداρ روایت می‌کند: «هرگاه چهل و دو شب از عمر جنین سپری شود خداوند فرشته‌ای را برای اینکه او را شکل دهد فرستاده و گوش، چشم، پوست، گوشت و استخوان او را خلق نماید سپس فرشته می‌گوید ای پروردگارم دختر یا پسر باشد، خداوند هرچه بخواهد قضا نماید، و فرشته نیز مکتوب و عمل نماید،

سپس می‌گوید خدایا! اجل او چگونه باشد؟ پروردگارت هرچه بخواهد می‌گوید و فرشته مکتوب نماید، سپس [فرشته] می‌گوید: خدایا روزی وی چگونه باشد؟ خدای شما هرچه بخواهد، قضاء نماید و فرشته مکتوب می‌نماید سپس فرشته با صحیفه و لوحه‌ای در دست خود بیرون رود و از دستور خداوند ازدیاد و کاهش ننماید»(1).

نکته‌ی مهم در این‌جا عدد 42 می‌باشد.

دانشمندان جنین‌شناسی با کمک دستگاه‌های مخصوص جنین‌شناسی به تازگی به این مراحل تطور جنین پی برده‌اند.

سوال من به کسانی که کلام خداوند و پیامبرش را قبول ندارند این است که پیامبر چطور می‌دانست که درست در روز 42 جنین شروع به شکل به خود گیری می‌کند و در آن روز برای جنین این اتفاقات می‌افتد؟

آیا پیامبرρ آزمایشگاه یا علم جنتیکی داشت؟ پس این اطلاعات را از کجا آورده است؟ آیا وحی خداوند نیست؟

پس کسانی که می‌گویند فقط خداوند را قبول داریم و پیامبر را قبول نداریم خداوند بر اساس همین آیات و نشانه‌ها به بندگانش از زبان پیامبرش می‌گوید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾ [آل عمران: 31] «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید».

مراحل تولد انسان

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ ١٢ ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ ١٣ ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ ١٤﴾ [المؤمنون:12 – 14] «ما انسان را از عُصاره‌ای از گِل آفریده‌ایم. سپس او را به صورت نطفه‌ای درآورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای می‌دهیم. سپس نطفه را به صورت لخته خونی، و این

1- مسلم (2645)، طبرانی در معجم کبیر (3044)، بیهقی، السنن الکبری (15201).

لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده‌ای، و این تکّه گوشت جویده را بسان استخوان‌های ضعیفی درمی‌آوریم، و بعد بر استخوان‌ها گوشت می‌پوشانیم، و از آن پس او را آفرینش تازه‌ای بخشیده و (با دمیدن جان به کالبدش) پدیده دیگری خواهیم کرد. والا مقام و مبارک یزدان است که بهترینِ اندازه‌گیرندگان و سازندگان است.

1- ﴿سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ﴾: عصاره ای از گل.

2- ﴿نُّطۡفَةٗ﴾: مراد موجود زنده حاصل در منی است که از آن به آب جهنده تعبیر شده است.

3- ﴿عَلَقَةٗ﴾: خون بسته زالوگونه.

4- ﴿مُضۡغَةٗ﴾: قطعه گوشتی بدان شکل و اندازه که جویده شود.

5- ﴿عِظَٰمٗا﴾: جمع عَظْم، استخوان‌ها.

6- ﴿لَحۡمٗا﴾: گوشت.

7- ﴿ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ﴾: سپس او را آفرینش دیگری بخشید. یعنی او را در آخرین مرحله با حیوان فرق گذاشت و ویژگی آدمی به آن بخشید.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید خداوند مراحل تولد آدم را به هفت قسمت تقسیم کرده است.

در سمیناری که در آن همراه دانشمندان مسلمان بزرگ‌ترین دانشمندان جنین‌شناسی حضور داشتند و در آن درباره‌ی مسائل جنین بحث می‌شد و مسلمانان نیز تمام آیاتی که مربوط به خلقت آدم می‌باشد را جمع کرده بودند.

پروفسور کانادایی کیث مور نیز در این سمینار حضور داشت او از مشهورترین دانشمندان جهان در علم «جنین‌شناسی»، رئیس بخش تشریح جنین در دانشگاه تورنتوی کانادا و رئیس اتحادیه‌ی دانشمندان جنین شناس امریکا و کانادا است و کتاب وی در زمینه جنین شناسی جایزه‌ی اوّل جهانی را به دست آورده است.

وقتی آیات بالا را برای پروفسور خواندند و از وی پرسیدند آیا امکان دارد کـه پیـامبر در آن زمان این اطلاعات را داشته باشد؟ وی گفت محال است که این حـرف‌هـا را یـک آدم بدون هیچ علمی و این‌قدر دقیق بگوید چون ما این اطلاعات را به تازگی بـه دسـت آورده‌ایم.

آیات قرآن درست هفت مرحله‌ای را معرفی کرده است که دانشـمندان بعـد از 1400 سال با افتخار و غرور به پیشرفت خود آن را کشف کرده‌اند اما خبر نداشتند که مسلمانان 1400 سال از نظر جنتیکی از آن‌ها جلوتر بودند. حتی دانشمند اعتـراف بـه عجـز خـود می‌کند که این هفت مرحله را ما نمی‌توانستیم که نامگذاری کنیم اما قرآن کریم برای هـر مرحله اسم‌های دقیق و کاملاً مناسبی را به کار برده است ولی مـا فقـط توانسـتیم کـه آن مرحله‌ها را شماره‌گذاری کنیم. در آن زمان به پروفسور کیث مور گفته شد پس آیا با این حال ایمان نمی‌آوری. وی گفت محال است که کتاب قرآن ساخته‌ی دست بشـر باشـد و گفت که در کتاب‌های بعدی که چاپ می‌کنم به این حقیقت اعتراف خواهم کرد.

نتیجه‌گیری

خداوند تعالی بندگانش را بسیار دوست دارد و بر ما منت نهاده است که کتاب قرآن را برای ما فرستاده است که به وسیله‌ی آن خود را نجات دهیم. معجزه‌هایی که در قرآن وجود دارد بسیار متنوع و بیشتر از آن است که من در این کتاب کوچک آورده‌ام. علاوه بر معجزات علمی معجزات ریاضی و عددی و پیشگویی‌هایی را دارد که اگر هر یک از آن‌ها را ببینیم قطعاً هر یک از آن‌ها برای ما کافی است که ایمان بیاوریم.

مثلا کلماتی مانند رسول، نبیین، مبشرین و از این صفات که مربوط به پیامبران است 518 بار تکرار شده است. در قرآن اسم 27 پیامبر آمده است اگر تکرار اسم آن‌ها را که جمع کنیم کلاً 518 بار می‌شود.

خداوند وقتی می‌خواهد قرآن را وصف و تعریف کند از کلمات نور و حکمت و تنزیل استفاده کرده است که کلاً 68 بار تکرار شده است و کلمه القرآن نیز 68 بار تکرار شده است. پس یعنی قرآن نور است، قرآن حکمت است و قرآن پیام خداست که نازل شده است. هم‌چنین اگر کلمات بینه و مبینه و شفا و موعظه را با هم جمع کنیم باز می‌بینیم که 68 بار برابر تعداد تکرار کلمات قرآن ذکرشده است.

کلمه مرد 24 مرتبه و کلمه زن نیز 24 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

کلمه دنیا 115 مرتبه و کلمه آخرت نیز 115 مرتبه در قرآن کریم ذکرشده است. کلمه ملائکه 88 مرتبه و کلمه شیطان (بصورت مفرد «شیطان»، و جمع «شیاطین») نیز 88 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

کلمه حیات 145 مرتبه و کلمه مرگ نیز 145 مرتبه در قرآن کریم ذکرشده است.

کلمه مفاد 50 مرتبه و کلمه زیان نیز 50 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است. کلمه سختی 102 مرتبه و کلمه صبر نیز 102 مرتبه در قرآن کریم ذکرشده است.

کلمه مردم 50 مرتبه و کلمه پیامبران نیز 50 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه ابلیس 11 مرتبه و کلمه پناه خواستن از ابلیس نیز 11 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه مصیبت 75 مرتبه و کلمه شکران و سپاس نیز 75 مرتبه در قرآن کریم ذکرشده است.
کلمه صدقه 73 مرتبه و کلمه خوشنودی و رضایت نیز 73 مرتبه درقرآن کریم ذکرشده است.
کلمه مسلمین 41 مرتبه و کلمه جهاد نیز 41 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه زندگی مجلل 8 مرتبه و کلمه زندگی ساده نیز 8 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه محبت 83 مرتبه وکلمه طاعت نیز 83 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه جادو 60 مرتبه و کلمه فتنه نیز 60 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه زکات 32 مرتبه و کلمه برکت نیز 32 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه فهم و دانش 49 مرتبه و کلمه نور و روشن نیز 49 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه صالحات 167 مرتبه و کلمه سیئات نیز 167 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه زبان 25 مرتبه و کلمه وعظ کردن نیز 25 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه زحمت و مشقت 114 مرتبه و کلمه شکیبایی نیز 114 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
کلمه محمد(ρ) 4 مرتبه وکلمه شریعت محمد(ρ) نیز 4 مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.
و...

خداوند به این دلیل اعجاز قرآن و حدیث را آورده است که اگر آن‌ها را دریافتیم پس باور کنیم که این کلام مستقیم از نزد خدا آمده است و به آن ایمان آوریم و برنامه‌ی زندگیمان را برنامه‌ی اسلام قرار دهیم. خداوند احتیاجی به ما ندارد ما هستیم که به آن نیازمندیم. پس بهتر است تسلیم امر خدا شویم و مسلمان باشیم.

دلایلی که باعث می‌شود که از قرآن استفاده نکنیم یکی تکبر می‌باشد.

فرد متکبر چنان احساس می‌کند که با پذیرش حق باید از مقام و منزلت خود دست بردارد و یا موقعیت اجتماعی خود دست بکشد و به جای زندگی خودسرانه باید زندگی قانون‌مندی داشته باشد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٨﴾ [الجاثية: 7 – 8] «وای بر هرکس که دروغ‌پرداز و بزهکار باشد! آن کسی که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او خوانده می‌شود (و از وعد و وعید، بیم دادن و مژده دادن، امر و نهی، و پند و اندرز، صحبت می‌دارد، امّا او) پس از آن از روی تکبّر (بر کفر و مخالفت با حق و انجام گناه) اصرار می‌ورزد؛ انگار آیه‌های خدا را نشنیده است! (حال که چنین است) پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده».

دلیل دوم مجادله‌ی بدون دلیل درباره‌ی اسلام و قرآن آدم را از هدایت محروم می‌کند.

اسلام و قرآن را با خودش بشناس نه از زبان دشمنانش.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ٥٦﴾ [المؤمن: 56] «کسانی که بدون دلیلی که (از سوی خدا) در دست داشته باشند، درباره آیات الهی به ستیزه‌گری و کشمکش می‌پردازند، در سینه‌هایشان جز برتری‌جویی نیست و هرگز هم به برتری نمی‌رسند. پس (از شرّ این‌گونه افراد خودخواه و برتری طلب) خود را در پناه خدا

دار که او (سخنان بی‌اساس ایشان را) می‌شنود و (توطئه‌های ناجوانمردانه آنان را) می‌بیند».

اصلاً اگر باز هم باور ندارید که قرآن از جانب خداوند است آیا اگر راست بود و پیروان قرآن در آخرت سر بلند و بی‌باوران به آن ذلیل شدند چه کسی ضرر کرده است؟

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ٥٢ سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَ لَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٥٣﴾ [فصلت: 52 – 53]. «(ای محمّد!) بگو: به من خبر دهید اگر این (قرآن) از سوی خداوند آمده باشد، و آن‌گاه شما به آن ایمان نداشته باشید، چه کسی گمراه‌تر خواهد بود از آن کسی که (با حق و حقیقت) سخت در مبارزه و مقابله باشد؟ ما به آنان (که منکر اسلام و قرآن هستند) هرچه زودتر دلائل و نشانه‌های خود را در اقطار و نواحی (آسمان‌ها و زمین، که جهان کبیر است) و در داخل و درون خودشان (که جهان صغیر است) به آنان (که منکر اسلام و قرآن هستند) نشان خواهیم داد تا برای ایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است. آیا (برای برگشت کافران از کفر و مشرکان از شرک) تنها این بسنده نیست که پروردگارت بر هر چیزی حاضر و گواه است؟ (چه حضور و شهادتی از این برتر و بالاتر که با خطّ تکوین، دلایل قدرت و حکمت خود را بر روی همه ذرّات کائنات و وجود موجودات نگاشته است؟)».

خداوند می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرۡ عِبَادِ ١٧ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾ [الزمر: 17 – 18] «مژده بده به بندگانم، آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان بخشیده است، و ایشان واقعاً خردمندند».

در پایان از خداوند می‌خواهم که همه‌ی ما را به راه راستین خودش هدایت کند.إن شاء الله.

پایان